



وقتی فوتبال یک دولت را سرنگون کرد

تیم ویکری
مترجم: نوید صراف

«هارولد ویلسون» نخست‌وزیر وقت بریتانیا، هنگام تعویض «بابی چارلتون» در مرحله یک‌چهارم نهایی رقابت‌های جام جهانی ۱۹۷۰ ناگهان به این موضوع شک کرد که ممکن است تیم ملی انگلیس، پیروزی را از دست بدهد. چند دقیقه بعد، شک ویلسون به یقین تبدیل شد و انگلیس در یک‌چهارم نهایی جام جهانی ۱۹۷۰ مکزیک در حالی که تا دقیقه ۶۸ از آلمان غربی با دو گل پیش بود، در پایان با نتیجه ۳ بر ۲ تن به شکست داد.

بسیاری از کارشناسان نقطه عطف مسابقه را تعویض نخست «سر آلف رمزی» و بیرون کشیدن «بابی چارلتون» اعلام کردند. ویلسون هم با کارشناسان هم‌نظر بود و هنگامی که «بیل شنکلی» را ملاقات کرد به او گفت: «فکر می‌کنم اشتباه تیم بیرون کشیدن بابی چارلتون از زمین بود.» این تعویض پیامی برای آلمان‌ها داشت و آن این بود که در دقایق باقیمانده تنها کارشان باید حمله باشد. چهار روز بعد و در روز انتخابات بریتانیا، «پیتر گروسونور» نامه‌ای برای نشریه معتبر «تایمز» نوشت و در آن پرسید: «آیا به برگشت شرایط فکر می‌کنید؟ آیا

هارولد ویلسون با دو گل پیش است و بیست دقیقه از زمان بازی باقی مانده؟» هنگام شمارش آرا حزب کارگر از محافظه‌کاران پیش بود ولی در آخرین لحظات با ۷/۴٪ در صندوق‌های پایانی، برتری به سمت محافظه‌کاران برگشت و دوران شش ساله نخست وزیری ویلسون به پایان رسید. حزب محافظه‌کار، کنترل دولت جدید انگلیس را در دست گرفت و رهبر این حزب «ادوارد هیث» نخست وزیر این کشور شد. عجیب اینکه حتی کارشناسان، امروز هم در توضیح علل شکست ویلسون ناتوان هستند. دولت در انگلستان تغییر یافت و حزب کارگر به این نتیجه رسید که شکست انگلیس در جام جهانی برابر آلمان، در شکست حزب کارگر برابر حزب محافظه‌کار تأثیر داشته است.

در زمان «قرمز یا مرده» اثر ماندگار «دیوید پیس»، مکالمه‌ای میان ویلسون و شنکلی در سفر نخست‌وزیر پیشین به بندر لیورپول در سال ۱۹۷۵ آمده است که در آن هارولد به بیل می‌گوید: «مردم از دولت خسته می‌شوند، درست مانند هواداران از یک تیم. وقتی شنیدم که به آلمان ۳ بر ۲ باختیم، به تأثیر آن فکر کردم. می‌شنیدم که رأی‌دهندگان می‌گفتند پس از این شکست نمی‌توانند دیگر چیزی را تحمل کنند. آن شکست تأثیر خود را روی انتخابات گذاشت که البته

چندان زیاد هم نبود.»

کابینه ویلسون در ماه آوریل همان سال برای تعیین زمان انتخابات جلسه‌ای داشت و در این جلسه بر اساس آنچه در کتاب «دوران زندگی من» آمده؛ چنین جمله‌ای مطرح شد: «در ماه ژوئن، تیم فوتبال بریتانیا از عنوان قهرمانی خود در آرژانتین دفاع خواهد کرد و همه چیز به روال عادی باز خواهد گشت.»

نکته ناامیدکننده ماجرا اینجا بود که راوی جمله فوق یعنی «دنيس هيلي» مشاور دفاع وقت انگلیس با علم به تأثیر فوتبال در آینده کشور، حتی خبر نداشت که «سه‌شیر» باید از عنوان خود در مکزیک دفاع کنند! ویلسون اما نگرانی‌هایی داشت و گفت: «اگر انگلیس روز پیش از انتخابات شکست بخورد، شرایط دولت سخت می‌شود.» هارولد بازی‌های جام جهانی را یک عامل کلیدی می‌دانست و نگران زمان بازی‌ها بود. او پس از اینکه مطمئن شد زمان بازی‌ها به وقت انگلیس در شب‌هنگام خواهد بود، کمی آسوده خاطر گشت! در پایان زمان انتخابات توسط ویلسون تعیین شد: روز هجدهم ماه ژوئن در هیاهوی جام جهانی و پیش از آنکه اعضای حزب راهی تعطیلات شوند.

این قماري بزرگ بود؛ او صندلی نخست‌وزیری خود را به میان گذاشت و به امید تیم فوتبال انگلیس نشست. چهره‌ای که در طول دوران فعالیت‌های سیاسی

